

لغو قانون تابعیت فرزندان مادر ایرانی در پوشش تصویب قانون سازمان ملی مهاجرت

دیگر فرزند ایران نخواهند بود



به‌هر حال، قانونی که در روزهای گذشته به تصویب نمایندگان مجلس رسید، ترکیبی از لایحه دولت و طرح نمایندگان بود.

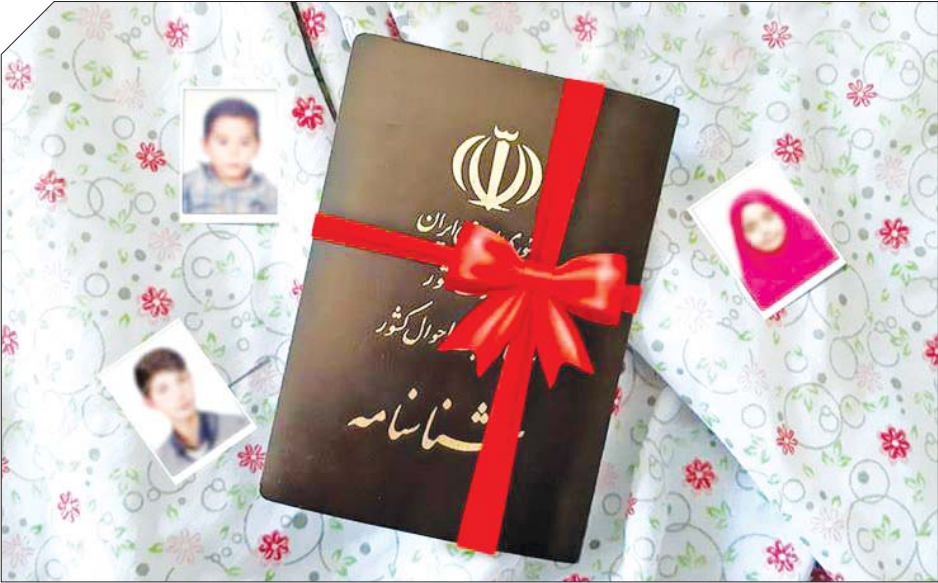
این قانون در سال ۱۳۹۸ به تصویب نمایندگان مجلس پیشین رسید. طبق آخرین آمارها از بین حدود ۱۰۵ هزار متقاضی تنها ۱۴ هزار نفر توانسته‌اند بر اساس این قانون به شناسنامه دست پیدا کنند. درحالی‌که میزان اجرایی‌شدن این قانون به ۵۰ درصد هم نرسیده، قانون سازمان ملی مهاجرت به صورت خیلی بی‌سرصدایی آن را لغو کرده است. البته که در این ماده نوشته شده به استثنای افرادی که در سامانه مذکور ثبت‌نام کرده‌اند، باز هم در اینجا ما با ظاهری تشکیل روبه‌رو هستیم. تمام کسانی که از طریق سامانه‌های وزارت کشور برای استفاده از قانون سال ۱۳۹۸ ثبت‌نام کردند اظهار داشته‌اند که این سامانه‌ها هیچ‌گاه کد پیگیری صادر نمی‌کردند. کسانی هم که به شناسنامه دست پیدا کرده‌اند اظهار داشته‌اند که در تمامی مراحل تنها خود مجریان قانون امکان تماس داشتند و آنها امکان پیگیری و اطلاع از وضعیت پرونده نداشته‌اند. بنابراین قسمت دوم این ماده به مانند بسیاری دیگر از مواد این قانون ضمانت اجرایی ندارد. از طرف دیگر سوآلی که مطرح می‌شود این است که چرا باید با تأسیس سازمان ملی مهاجرت، قانون تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی لغو شود؟ مگر می‌شود موضوعی از این درجه از اهمیت که به نوعی از ارکان قانون تابعیت است یک‌شبه بدون هیچ جایگزینی حذف شود؟ در دهه‌های گذشته همواره برای تعیین تکلیف تابعیت فرزندان مادر ایرانی قانون مرجعی وجود داشته است. پیش از دهه ۰۸، تفسیر اولی از بنسد ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی مرجع قرار می‌گرفت و به این فرزندان شناسنامه داده می‌شد. در سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۸ ماده‌واحد تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی مرجع بود و از سال ۱۳۹۸ تا به امروز قانون مصوب سال ۱۳۹۸. در همه این سال‌ها اجرای قانون با مسائل متعددی روبه‌رو بوده است. اما مسئله این بوده که قانونی وجود داشته است که مبنای اعطای تابعیت به این فرزندان باشد. حال در ماده ۴۱ قانون تأسیس سازمان ملی مهاجرت قانون مرجع موجود لغو شده است. پدیده‌ای که دیگر نمی‌توان آن را حتی بازگشت به گذشته نامید.

اما واقعا وضعیت تابعیت فرزندان مادر ایرانی چه خواهد شد؟

برای پاسخ به این سؤال باید به ماده ۴۱ قانون سازمان ملی مهاجرت مراجعه کرد. پاسخ در نتجاست. این ماده اعلام می‌کند که «اتباع خارجی» که مشمول یکی از

نظر گرفته‌شده برای آن و همچنین وضع موجود چندان نمی‌توانند کارآمد باشند.

اقامت موقت شامل درخواست برای اشتغال، تحصیل و آموزش، ورزشی، مطبوعاتی، سرمایه‌گذاری، تجارت، بازرگانی و درمانی طرح شده است. همان‌طورکه همه آگاه هستیم، مهم‌ترین انگیزه ورود و اقامت مهاجران به ایران و درواقع آنچه ایران را برای مهاجران فعلی جذاب کرده، بازار کار است. در ذیل این ماده آمده است: «اتباع خارجی برای درخواست اقامت به‌منظور اشتغال و تمدید آن، باید دعوت‌نامه از مؤسسه خصوصی را به همراه مدارک به سازمان ارائه نمایند». این تنها موردی است که در ارتباط با اشتغال مهاجران مورد اشاره قرار گرفته است که البته ابهامات و سوآلات متعددی را برمی‌انگیزاند. نخست آنکه درحال حاضر ده‌ها تا صدها هزار کارگر مهاجر که از وضعیت اقامتی آنها مطلع نیستیم، به‌صورت غیرقانونی و قانونی درحال کار در بنگاه‌های مختلف اقتصادی هستند. کارفرمایان و کارگران درحال‌حاضر چگونه می‌توانند همکاری خود را با این کارگران ادامه دهند؟ آیا ضمانتی وجود دارد که کارگر با در دست داشتن دعوت‌نامه بتواند اقامت کوتاه‌مدت



ورود دستگاه‌های اطلاعاتی، امنیتی و انتظامی به دانشگاه‌ها ممنوع است

است؛ و به‌ویژه اینکه ما امروز در یک روند رو به رشد علمی قرار داریم و از لحاظ علمی با بسیاری از کشورهای دنیا در حال رقابت هستیم.

وچیدی اظهار کرد: ایجاد مزاحمت برای تحصیل به‌ویژه بعد از دو سال تعطیلی دانشگاه‌ها، کاملا به ضرر دانشگاه، علم‌آموزی و همچنین به ضرر فلسفه وجودی دانشگاه است.

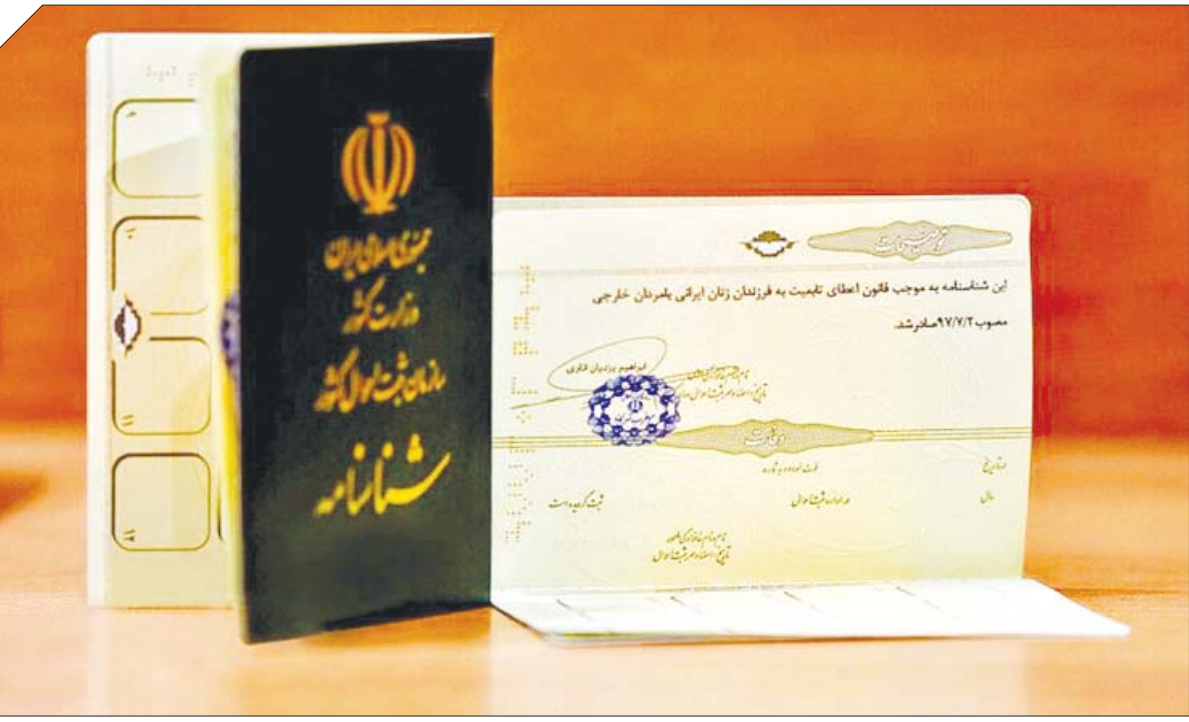
او در پاسخ به این پرسش که آیا وزارت کشور دستور می‌ی بر برخورد یا تعلیق دانشجویان معترض به دانشگاه‌ها داشته است؟ گفت: مسئولیت اصلی با رؤسای دانشگاه‌هاست.



عناوین زیر باشند و خانواده آنها، به شرط داشتن سابقه اقامت موقت در ایران به مدت حداقل شش ماه، می‌توانند درخواست اقامت مدت‌دار [اقامت‌های سه و هفت و ۱۰ ساله] داشته باشند؛ (الف) ایثارگران غیرایرانی (ب) نوابغ و نخیکان علمی و حوزوی (ج) اشخاصی که دستاوردهای برجسته فرهنگی، هنری و ورزشی داشته باشند. (د) فعالان مؤثر اقتصادی که در ایران سرمایه‌گذاری می‌کنند. (ه) همسر و فرزندان زنان ایرانی، مشروط به وجود شرایط مندرج در بخش پنجم این قانون.

قانون سازمان ملی مهاجرت اقامت‌های بلندمدت را فقط برای این پنج گروه تعریف کرده است. این اقامت‌ها به هیچ وجه به معنای کسب تابعیت ایرانی نیستند. کسانی که این اقامت‌ها را به دست می‌آورند تنها حق حضور در ایران و استفاده از خدمات شهروندی را خواهند داشت. یکی از گروه‌های تعریف‌شده برای این کار همسران زنان ایرانی و فرزندان مادر ایرانی هستند.

وقتی مواد ۲۱ و ۴۱ این قانون را کنار هم می‌گذاریم متوجه می‌شویم که بعد از تصویب، فرزندان مادر ایرانی هرگز امکان ایرانی‌شدن نخواهند داشت. آنها از این به بعد همچون سایر اتباع خارجی در ایران تنها می‌توانند اقامت‌های کوتاه‌مدت و حداکثر ۱۰ساله کسب کنند. اقامت‌هایی که کسب آنها باز هم هیچ تضمینی ندارد. چراکه تمام جرم‌انکاری‌های تعریف‌شده در قانون برای اتباع خارجی شامل حال آنان هم می‌شود. اگر این قانون نهایی شود، فرزندان مادر ایرانی که سابقه کفبری یا تعقیب قضائی یا حتی قرار مجرمیت (جلب به دادرسی) داشته باشند و حتی اگر بی‌گناهی‌شان اثبات شود باز هم هرگز نخواهند توانست اقامت مدت‌دار دریافت کنند و تنها راهی که برای آنان



باقی می‌ماند، اخراج از کشور است. در جهان فقط شش کشور هستند که به هیچ وجه حق انتقال تابعیت از زن به فرزند را به رسمیت نمی‌شناسند. این کشورها عبارتند از: سومالی، اسواتینی (سوازیلند سابق)، برونئی دارالاسلام، کویت، لبنان و قطر. ایران نیز تا چند سال پیش کشور هفتم از این دسته بود. اما پس از تصویب قانون سال ۱۳۹۸ از این فهرست خارج شده بود. در صورتی که لایحه سازمان ملی مهاجرت به تصویب نهایی برسد ایران بار دیگر به این فهرست بازمی‌گردد. مجموع جمعیت شش کشور دیگر این فهرست با یک چهارم جمعیت کشور ایران برابر نمی‌کند. کشورهایی مثل پرونی فقط حدود ۴۴۰ هزار نفر و اسواتینی حدود یک میلیون نفر جمعیت دارند. اما سبک مواجهه با مسئله ایران با بیش از ۸۵ میلیون جمعیت با این کشورها برابر خواهد شد. نکته این است که با وضعیتی که این قانون برای فرزندان مادر ایرانی در نظر گرفته است، ایران در قعر این فهرست قرار می‌گیرد. چون کشورهایی مثل قطر و کویت هرچند به فرزندان مادر قطری و مادر کویتی تابعیت نمی‌دهند، اما بدون قید و شرط اقامت دائم را برای‌شان فراهم می‌کنند. در حالی‌که در ایران با نهایی‌شدن این قانون تعداد زیادی از فرزندان مادر ایرانی در آستانه اخراج از ایران قرار خواهند گرفت.

کلیات قانون سازمان ملی مهاجرت در روز یکشنبه ۲۲ آبان ۱۴۰۱ به تصویب نمایندگان مجلس رسیده است. جزئیات آن هنوز نهایی نشده است. می‌توان گفت قانون مصوب سال ۱۳۹۸ اقدامی برای ایرانی‌شدن فرزندان مادر ایرانی بود، اما قانون سازمان ملی مهاجرت با وضعیت فعلی اقدامی برای بیگانه‌سازی فرزندان مادر ایرانی است.

نگرانی وجود دارد که با اکراه از پیش موجود و لغو این قانون، باقی ثبت‌نام‌شدگان نیز از دریافت شناسنامه محروم بمانند. دقیقا مشخص نیست که لغو این قانون بر چه مبنا و منطقی صورت گرفته است، اما آنچه محتمل است اعمال نفوذ مخالفان همیشه این قانون است که این‌بار توانسته‌اند از مسیر دیگری آن را لغو کنند. آنچه رخ داده، بسته‌شدن امکان اخذ تابعیت برای فرزندان مادر ایرانی و بازگشت به وضعیت صفر برای این فرزندان است. نتیجه لغو این قانون چیزی نیست جز تعلیق و بلاتکلیفی خیلِ این فرزندان که امید داشتند روزی از برزخ بی‌هویتی بگریزند.

قانون مدنی، همچنان دراعما!

بند چهارم و پنج ماده ۹۷۶ قانون مدنی بیان می‌کند که اشخاص ذیل تبعه ایران محسوب می‌شوند: «کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده به وجود آمده‌اند و «کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه است به‌وجود آمده و بلافاصله پس از رسیدن به سن هجده سال تمام لاقل یک سال دیگر در ایران اقامت کرده باشند». با نگاهی به قانون تشکیل سازمان ملی مهاجرت به‌راحتی متوجه می‌شویم که این قانون صراحتا با قانون مدنی مغایرت دارد. سوآلی که به ذهن متبادر می‌شود این است که آیا قانون‌گذاران از ماده ۹۷۶ که با صراحت مصداق‌های تبعه ایرانی را مشخص می‌کند آگاه نبوده‌اند؟ و اگر آگاه بوده‌اند چگونه توانسته‌اند چنین قانونی را به تصویب برسانند. قانون‌گذاران در این قانون نه‌تنها قانون تابعیت فرزندان مادر ایرانی را به راحتی لغو کرده‌اند، بلکه اصلی اساسی از قانون مدنی ایران را هم نادیده گرفته‌اند تا راه برای تابعیت‌یافتن اشخاصی که می‌توانستند بدون پیچیدگی و دشواری خاصی ایرانی نامیده شوند، بسته شود.

کلام آخر

همان‌طورکه در متن نیز اشاره شد، بزرگ‌ترین مشکل این قانون آن است که کوینی قانون‌گذار از وضعیت مهاجران حاضر در ایران آگاه نبوده و البته شناختی نیز از سابقه سیاست‌های ناکام مهاجرتی در ایران نداشته و در خلا دست به قانون‌نویسی زده است. قانون مذکور اگرچه به لحاظ فرم و در نگاه اول امکانات و مسیرهایی جدید را طرح می‌کند اما با دقت در محتوا و دایره شمولیت و با در نظر گرفتن روح آن، نسبت آن با وضعیت موجود و البته تجربه‌های گذشته، قانونی هوشمندانه نیست و نه‌تنها کشایشی در وضعیت موجود و در راستای ساماندهی وضعیت مهاجران ایجاد نمی‌کند بلکه بر ابهامات موجود افزوده و ادامه «سیاست تعلیق حیات مهاجران» است.

حراکتی را به نام دانشجو تمام کنند؛ بنابراین دانشجویان عزیز ما باید مراقبت کنند که مورد سوءاستفاده قرار نگیرند.

وزیر کشور همچنین تأیید کرد که در میان اعتراضات دانشجویان، فعالیت‌های خطرناکی مثل حمل سلاح سرد رؤیت شده و از رؤسای دانشگاه خواسته شده که امنیت دانشگاه‌ها را تأمین کنند.

وچیدی معتقد است: «تعداد دانشجویانی که اعتراضات خود را در فضای دانشگاه نشان دادند، کمتر از یک درصد بوده است.»

مختلف در ایران حضور دارند و دولت با سخت‌ترین اقدامات هم نتوانسته آنها را مجبور به بازگشت کرده یا پذیرش کند. خواهد داشت؟ گروه‌های موردنظر اعطای این اقامت‌ها چند درصد از مهاجران حاضر در ایران را در برمی‌گیرد؟ جریمه‌های در نظر گرفته‌شده در قانون برای مهاجران غیرقانونی و ایرانیانی که به شکل‌های مختلف با این مهاجران همکاری می‌کنند، نشان از اراده به پایان‌دادن حضور مهاجران غیرقانونی است؛ اما اگر بنا به بازگرداندن مهاجران حاضر در ایران یا جلوگیری از ورود بیش‌ازپیش آنهاست، آیا تجربه‌های شکست‌خورده پیشین برای عبرت‌گرفتن قانون‌گذار و سیاست‌گذار کافی نبوده است؟ این قانون چه ابتکار یا ابزار جدیدی را برای مقصد مطلوب سیاست‌گذار در نظر گرفته است تا مجددا شاهد شکست در حوزه سیاست‌گذاری مهاجرت و تکرار اشتباهات گذشته نباشیم؟

مسئله دیگر، حدود دومیلیون و ۳۰۰ هزار نفری هستند که در طرح سرشماری شرکت و کارت اقامت موقت دریافت کرده‌اند. آیا آنچه این مهاجران در دست دارند، همان اقامت موقتی است که موردنظر این قانون بوده است؟ نسبت اقامت‌های تعریف‌شده با کارت‌های صادرشده در سرشماری چیست و چرا هیچ اشاره‌ای در این قانون برای تعیین تکلیف مهاجران سرشماری‌شده نشده است؟ آیا بنا بر این است که کارت‌ها تا زمان نامشخصِ اجرای قانون به‌طور مرتب تمدید شود؟

لغو قانون تابعیت فرزندان مادر ایرانی فقط با یک چرخش قلم!

قانون اعطای تابعیت به فرزند حاصل از ازدواج مادران ایرانی با مردان خارجی را شاید بتوان به جرئت یکی از درخشان‌ترین تلاش‌های سیاستی در راستای اصلاح قانون تابعیت در سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران نامید که حاصل چندین سال تلاش و ترویج و چانه‌زنی فعالان مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد برای پیشبرد آن بود. یابین‌حال کویسی که واقعا عمر همه چیزهای خوب در اینجا کوتاه است؛ ماده ۴۱ قانون سازمان ملی مهاجرت، صراحتا قانون اصلاح تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب سال ۱۳۹۸ را لغو می‌کند. البته با این قید که این ماده افرادی که قبلا ثبت‌نام کرده‌اند را شامل نمی‌شود. البته نباید فراموش کرد که تا همین امروز هم تعداد محدودی نسبت به کل فرزندان مشمول این قانون توانسته‌اند شناسنامه دریافت کنند و در سه سال گذشته همواره رویکرد مجری نسبت به اجرای این قانون با نوعی اکراه همراه بوده است و این

حراکتی را به نام دانشجو تمام کنند؛ بنابراین دانشجویان عزیز ما باید مراقبت کنند که مورد سوءاستفاده قرار نگیرند.

وزیر کشور همچنین تأیید کرد که در میان اعتراضات دانشجویان، فعالیت‌های خطرناکی مثل حمل سلاح سرد رؤیت شده و از رؤسای دانشگاه خواسته شده که امنیت دانشگاه‌ها را تأمین کنند.

وچیدی معتقد است: «تعداد دانشجویانی که اعتراضات خود را در فضای دانشگاه نشان دادند، کمتر از یک درصد بوده است.»